

## پیش‌خوان

**نظر و گذری بر زندان نگاشت‌های زینب ابراهیم، همسر شیخ ابراهیم زکراکی**

### سفری باصبر و امید «تاروشنایی»

■ سمانه صادقی



اثری که هم‌ینک در معرفی آن سخن می‌رود، هماگونه‌که در عنوان خود آورده است، خاطرات زندان‌نگاشته زینب ابراهیم همسر شیخ ابراهیم زکراکی را

به مخاطب عرضه می‌دارد. این مجموعه از نسوی معصومه رامهرمزی تدوین یافته و انتشارات نسوره مهر آن را روانه بازار کتاب ساخته است. محسن ذوالفقاری نویسنده‌طی یادداشتی در خبرگزاری مهر در توصیف محتوای این صحیفه آورده است: «هر کسی که با من اندک آشنایی دارد، شدت و حدت علاقه من به شهید بهشتی را می‌داند. من کسی هستم که همه چیز را با عینک بهشتی‌وار می‌بینم. گاهی ناخواسته و ناخودآگاه بدون اینکه بفهمم عینک روی چشم‌هایم هست یا نه دیدن صحنه‌ای، با خواندن کتابی یا مرور خاطراتی، تحلیلی از ذهنم رد می‌شود که وقتی کمی کنکاش کنی، رگ و پی اش را در اندیشه‌ها و زندگی این شهید مظلوم پیدا می‌کنی. همه اینها را نوشتم تا بگویم شیخین ابراهیم زکراکی یکی از نایب مجموعه‌هایی است که شهید بهشتی آن را پایه‌گذاری کرده، یعنی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا. شیخ زکراکی مدیر این اتحادیه به درنجه به است، چهره‌ای که برای جهان اسلام، با مقاومت‌های چشمگیرش شناخته شده است. در ابتدای کتاب خاطرات زینب ابراهیم همسر شیخ، با یادمان‌هایی درباره زندگی مشترک آنها مواجه می‌شوید. شیرین و دلکش است، ولی حیف که روی دور تند قرار دارد. جا دارد یک کتاب مجزا برای زندگی خانوادگی این زوج کار شود. زوجی که چندین فرزند را به اسلام تقدیم می‌کنند، اما از راه و هدفشان دست نمی‌کشند. خودشان نیز شکنجه‌هایم‌کنند، در‌ها می‌چسبند و تالپ مرز شهادت می‌روند و



➤ **زینب ابراهیم، همسر شیخ ابراهیم زکراکی**

برمی‌گردند. خیلی دوست دارم بیشتر از این کتاب برایتان بنویسم، اما این کار را نمی‌کنم. چون می‌ترسم قلمم به سمتی برود که خاطراتی را لو بدهم. بنابراین این خودتان بخوانید تا سلسله‌وار به پایان داستان برسید و روشن بشوید. با تجربه زیسته جنگ رمضان اگر هنوز کسی وجود دارد که دلبسته و امیدوار به کمک‌های امریکاست، پیشنهاد می‌کنم جهت روشنگری تاروشنایی با تقدیم‌شده کتاب تا آگاه‌تر شوید که اگر امریکا و دست‌نشانده‌های او کشوری را استثمار کنند، چه بلای‌های سر آن کشور و مردمش درمی‌آوردند البته برای بعضی‌هایشان بر فرض هم که بخوانند، تأثیری رویشان ندارد، چرا که به قول قرآن، قلبشان مهر خورده است و کور و کر شده‌اند! ناگفته نماند به نظر من برای امتثال خدوام‌هم که هر شب در خیابان هستیم، خواندن این کتاب لازم است تا قدر کشورمان را بدانییم و با تکنیک مقایسه متوجه بشویم، اگر ۱۰ سال هم هر شب در خیابان مانیم، کار بزرگی نکردیم...»

در بخشی از «تاروشنایی» می‌خوانیم: «در حادثه روز قدس سنال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳ ش.) ۳۴ نفر از مردم به قتل رسیدند؛ از جمله یک شهروند نجیب مسیحی که با شترکت کنندگانی که هدف حمله ارتش نیجر به قرار گرفتند، هم‌مدری می‌کرد. بخشی از این تلاش‌ها، برای ترسور رهبر نهضت بود. هدف اصلی آنها شیخ بود، اما به شکلی وحشیانه عده‌ای از بیگناه را کشتند. سه پسر عزیزمان هم در این حادثه شهید شدند. سیدمحمدود به ضرب گلوله در لحظه اول به شهادت رسید؛ سیداحمد و حامد و علی حیدر تیر خوردند و زخمی شدند. آنها را به سربازخانه ارتش در شهر بساوا بردند و تا حد مرگ شکنجه کردند. از بین پسرانم، فقط سیدعلی حیدر که ۱۴ سال داشت، با یک پای شکسته و استخوان خرد شده، در زیر شکنجه زنده ماند. سیدحامد و سیداحمد، به شهادت رسیدند...»

■ **بروین قائمی**



وقتی در ۱۹ دی ۱۳۲۶، تیتیر «هاگانا! این سازمان آدم‌کششی یهود است که مرگ زن در فلسطین و شیعیه آن در تهران است»، بر صفحه نخست هفته نامه مرد امروز به صاحب‌امتیازی محمد مسعود منتشر شد، کمتر کسی از ماهیت واقعی این سازمان نظامی اطلاع داشت. این گروه وظیفه داشت که صاحبان فلسطین را از مرز و بوم خود براند و یهودیان جهان را متشکل کرده و به جای آنان در این سرزمین اسکان دهد. **اینک** که در پی سپهری گمشده نزدیک به هشت دهه، اسرائیل به کراحت تمام پرده از چهره خویش گرفته است، خوانشش تحلیلی از این سند تاریخی به هنگام می‌نماید؛ امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **در کیستی محمد مسعود**

در آغاز کلام، به هنگام است که در باب زندگی و زمانه محمد مسعود صاحب امتیاز و مدیر مسئول هفته نامه پرآوازه «مرد امروز»، اشاراتی داشته‌باشیم. هر چند تاکنون و در صفحه تاریخ روزنامه «جوان» در این باره مطالب متنوعی منتشر شده‌است، اما اکنون ارائه زندگینامه‌ای مختصر از وی مناسب می‌نماید.

محمد مسعود، روزنامه‌نگار و رمان نویس شهیر، در سال ۱۲۸۰ در محله ابرقوی شهر قم در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد. پدرش میرزا عبدالله و پدربزرگش آخوند ملامحمد قمی بودند. پس از اتمام دوره ابتدائی تحصیلاتش را در حوزه علمیه قم پی گرفت. در سال ۱۳۱۱ به تهران رفت و در چاپخانه‌های مشغول به کار شد و همزمان با اسم مستعار «مد-هاتی»، به انتشار مقالاتی در روزنامه‌های: قانون، آیینه ایران، تهران مصور، شرقی، شفق سرخ و جدی روزنامه‌نگاری، ابتدا به پاریس و سپس به بروکسل رفت تا سال ۱۳۱۷ در آنجا ماند. در همان سال به علت مشکلاتی در باره سوبالیسم روزنامه لاگارت بلژیک، به تهران احضار شد و چون نتوانست امتیاز یک نشریه یا حق همکاری با مطبوعات کشور را دریافت کند، به تجارت و حق‌العمل کاری مشغول شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ و در تابستان ۱۳۲۱ امتیاز روزنامه «مرد امروز» را گرفت. وی در این روزنامه به سیاست‌های مسکو و لندن در ایران به‌شدت اعتراض می‌کرد و در زسواکر دن حزب توده و انگلستان، نقش اساسی داشت. هنگامی که حزب توده برای توجیه واگذاری نفت شمال به شوروی تلاش می‌کرد، مسعود با مقالات تندی به مخالفت با آنان پرداخت و از

سوی روزنامه‌های وابسته به حزب توده لقب «مرتجع» و «انارشیست» گرفت. پس از حملات قلمی شدید وی به قوام‌السلطنه، برای سر او یک میلیون ریال جایزه تعیین شد، تحت تعقیب قرار گرفت و مدت سه ماه متواری و روزنامه‌اش توقیف شد. او با این همه «مرد امروز» را به صورت پوئشن محرمانه و با مقالات آتشین منتشر می‌کرد. مسعود سرانجام در ۲۳ بهمن ۱۳۲۶ و تنها دو هفته پس از چاپ مقاله «هاگانا، هاگانا»، در خیابان اکباتان تهران و به هنگام خروج از چاپخانه مظاهری به ضرب گلوله به قتل رسید. مرگ وی به لحاظ وسعت مقالات تند و تیزش درباره مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی و ضربات شدید قلمی که به گروه‌های مختلف سیاسی اجتماعی از دولتمردان گرفته تا سیاست‌بازان و دلالان اقتصادی می‌پرداخت، تعابیر و تفاسیر مختلفی را در پی داشت و تا مدت‌ها به صورت را باقی ماند. پرونده مسعود، به مدت ۱۰ سال در دادگستری مفتوح بود. خسرو روزه از اعضای مهم و اصلی سازمان افسری حزب توده، پس از دستگیری و



**افشاگری ۷۹ ساله محمد مسعود، درباره فعالیت یک سازمان صهیونی – تروریستی در ایران**

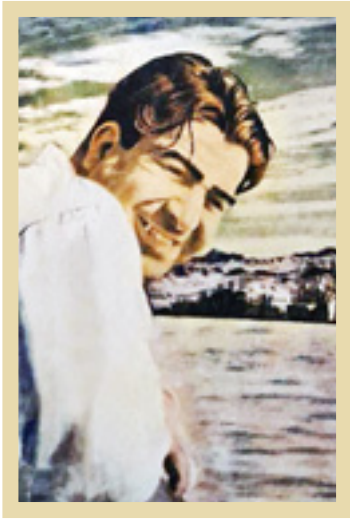
# دربار و دولت

# زمینه‌ساز تاخت و تاز «هاگانا» در ایران

بازجویی به قتل محمد مسعود اعتراف کرد و گفت، مسعود کشور را دچار وضعیت دوقطبی و حزب توده را افرادی تر کرد او ادعا کرد که این ترور را بدون مطرح ساختن با حزب، به شکل مستقل و با این امیدواری که دربار مقصر جلوه خواهد کرد، انجام داده است. از محمد مسعود علاوه بر مقالات متعدد، این کتاب‌ها نیز به یادگار بر جا مانده‌اند: گل‌هایی که در جهنم می‌رویند؛ بهار عمر؛ تفریحات شب؛ در تاش معاش و اشرف مخلوقات.»

■ **آخرین افشاگری مسعود، مقاله «هاگانا، هاگانا»**
مقاله «هاگانا، هاگانا»، یکی از مشهورترین و جنجالی‌ترین نوشتارهای محمد مسعود در روزنامه مرد امروز است و در واقع، آخرین اثر او پیش از ترور در بهمن ۱۳۲۶ محسوب می‌شود. مسعود در این مقاله به‌شدت به مد‌اخلات بیگانگان و وضعیت آشفته سیاسی ایران حمله کرد. «هاگانا» نام سازمان نظامی مخفی یهودیان در فلسطین، پیش از تشکیل دولت اسرائیل بود. مسعود در این یادداشت، با استفاده از این نام به‌عنوان یک استعاره، هشدار داد که اگر یهودی در داخل ایران به صورت مخفیانه و به نفع قدرت‌های خارجی (به‌ویژه بریتانیا و شوروی) فعالیت می‌کنند و

ایران را به سوی نابودی می‌برند. او در این مقاله با اینتی افشاگرانه، دولتمردان وقت و دربار را متهم به خیانت کرد و از وجود یک «شبکه جاسوسی و ترور» در ایران خبر داد که آن را به سازمان صهیونیستی هاگانا تشبیه کرده بود. وی معتقد بود که این شبکه در خدمت دربار و قدرت‌های بیگانه است تا منتقدان را حذف کند. این مقاله، فضای سیاسی تهران را به‌شدت ملتهب کرد. همه منتظر بودند تا ببینند که واکنش دربار به این افشاگری‌ها چیست.



## «هاگانا، هاگانا»، یکی از مشهورترین است و در واقع، آخرین مقاله او پیش از ترور در بهمن ۱۳۲۶ محسوب می‌شود. وی معتقد بود که این شبکه تروریستی در خدمت دربار و قدرت‌های بیگانه است تا منتقدان را حذف کند. این نوشتار، فضای سیاسی کشتسور و ملتهب کرد.

■ **همه منتظر بودند تا ببینند واکنش دربار به این افشاگری‌ها چیست که مرگ غیر منتظره نویسنده ماجرا را مسکوت‌نهد!**



تصویری از اعضای سازمان صهیونیستی – تروریستی هاگانا در کشور فلسطین

محمد مسعود در ۲۱ دی ۱۳۴۶،

درباره ایجاد شعبه سازمان تروریستی هاگانا در شهرهای ایران دست به افشاگری زد. او به صراحت اذعان داشت که برخی یهودیان با ایجاد نمایندگی‌هایی از این گروه در شهرهای مختلف، فعالیت‌هایی منظم و مرتبط با شاخه اصلی خود در فلسطین انجام می‌دهند. او همچنین وارد معرفی شبکه این تشکیلات در ایران شد و حتی از برخی از حامیان مالی آن در میان بازرگانان و سراسر مایه داران ایرانی نام برد

پیش شخصی به نام شلیمون که از میلیون‌های یهودی فلسطین است، به ایران آمده و در هتل فردوسی اقامت گزیده و شروع به خریدن اعتبارات دلاری تجار ایرانی که در امریکا داشتند، نمود. مقادیر هنگفتی که بین ۲-۴ میلیون دلار است، دلار خریداری نمود. یکی از تجار فروشنده مزبور، آقای وهاب‌زاده تاجر ایرانی است. دلارها را به ۶۵ ریال خریداری کرد و با ۱۰۰ ریال اضافه، همه را به امریکا حواله داده است و به فلسطین مراجعت کرده و همچنین باید دانست که تمامی میلیون‌های یهودی خارجی مقیم تهران از قبیل مایسر عبدالله، کنانه، جرج شعبیا، صافایی لاوی و مشمل صالح موشی و... هر ماهه مبلغ هنگفتی به سازمان مزبور کمک مالی می‌نمایند. از جمله مایسر عبدالله مطاطه کار و شهرداری، ماهانه در حدود ۲۰ هزار لیره کمک مالی می‌نمایند. سازمان تروریستی هاگانا در ایران، مجراتلا وظایف زیر را عهده‌دار است:

۱- فعالیت مسلمانان را در ایران که برعلیه یهودیان به کار می‌رود، خنثی سازد.

۲- برای اعضای سازمان مقیم فلسطین، هر ماهه وجوه کافی تهیه و ارسال دارد.

۳- ضمن تماس با مقامات خارجی شمالی ایران، وسایل خرید اسلحه و ارسال آن را از مرز ایران به

فعالیت‌هایی با ایجاد شعباتی از این گروه در برخی شهرها،

فعالیت‌های منظم و مرتبط با شعبه اصلی خود در فلسطین انجام می‌دهند: «طبق اطلاعات موثقی که به دست آمده است، چندی است یهودیان مقیم ایران به ویژه آنهایی که اخیراً به ایران آمده‌اند، شعبه سازمان تروریستی هاگانا را در ایران و مرکز آن را در تهران دایر نموده‌اند. این سازمان فعلاً در شهرهای تهران، همدان، کرمانشاه و اهواز شعباتی داشته و فعالیت‌های شدیدی ابراز می‌دارند. اعضای سازمان تروریستی هاگانا در این هر هفته جلساتی تشکیل داده و طبق برنامه معینی مسائل مهم را مورد رسیدگی قرار داده و مطالب لازم را به مرکز اصلی گزارش می‌دهند. خبر موثقی حاکی است که شعبه (هاگانا) در ایران، دارای دستگاه‌های فرستنده و گیرنده بوده و برخی از موارد با مرکز سازمان خود که در فلسطین است، ارتباط داشته و با رمزهای مخصوصی پیام ارسال و مطالب و دستورات می‌نمایند...»

■ **یهودیان ایران، ۶۰ درصد از هزینه هاگانا را تأمین می‌کنند!**
نویسنده در بخش دیگری از نوشتار خویش، از گستره فعالیت یهودیان ایرانی برای تثبیت سلطه اسرائیل بر فلسطین، گزارشی اعجاب‌انگیز بیان می‌کند. این بخش «یهودیان متخسب به این دست‌دراز می‌گردند، زیرا در نیمرودی در دهه‌ها بعد می‌اندازد که گفت: «اگر یک روز به روزنامه‌نگاران اجازه دهند تا از کارهایی که ما در تهران کرده‌ایم مطلع شوند، آن آنچه می‌شوند وحشت‌ناک خواهد کرد حتی نمی‌توانند آن را تصور کنند!»

■ **شوروی پس از یأس از حزب توده در ایران از هاگانا حمایت می‌کند!**
پیامدهای حضور عوامل هاگانا در ایران، از جمله ناکامی است که صاحب امتیاز مرد امروز در مقاله خویش، از آن چشم‌نمی‌پوشد. وی به لایب‌گسترده این سازمان تروریستی در کشور اشاره کرده و به مدد اخبار دریافتی خویش، آنها را اینگونه تحلیل می‌کند: «یهودیان متخسب به این دست‌دراز می‌گردند، زیرا در دهه‌های اخیر، متد و روزنامه‌هنگی مخصوصی دارند. می‌گویند اخیراً حکومت نظامی ناچار شد برای پیش‌بینی حدوث وقایع ناگوار از قبیل تخریب، ترور، مرجعه کرده‌است که تقاضا کرده‌اند که هزینه برگشت آنها داده شود تا به وطن خود برگردند. اینها افرادی بودند که فریب افراد سازمان (هاگانا) و دستجات مختلف یهودی را در ایران خورده بودند، به طوری که حدس زده می‌شود، سازمان بزرگ یهودیان فعلاً در امریکا و ایران بیش از سایر نقاط دنیا فعالیت کرده و به فلسطین کمک مالی می‌نمایند...»

■ **مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت در تقابل با هاگانا**
به رغم آنچه که در فصول پیشین بدان اشارت رفت، مردم مسلمان ایران به رهبری علما و روحانیون، به رصد فعالیت شعبه‌های هاگانا در کشور خویش پرداخته و در این طریق، دست به ایجاد تشکل‌هایی زدند. موضوعی که محمد مسعود نیز شرحی از آن ارائه کرده است:

«خبر موثقی حاکی است که برای مبارزه با فعالیت خلف قانون یهودیان در ایران، تشکیلات وسیعی از مسلمان به راهنمایی و ارشاد یکی از هادپایان دین که محبوبیت خاصی در تهران دارد، تشکیل شده است. این سازمان در تمام شهرستان‌هایی که بیم فعالیت‌های محرمانه و مخفیانه یهودیان غیرایرانی می‌رود، شعباتی دایر و به فعالیت پرداخته‌اند. مأموریت اعضای این سازمان تا آنجا که اطلاع به دست آمده، عبارت است از:
۱- شناسایی و نامبرداری تمامی یهودیان غیرایرانی در هر شهر، به ویژه یهودیانی که طی چند سال اخیر وارد هر شهری شده‌اند.
۲- کسب اطلاع از ممر در آمد و چگونگی صرف در آمد و اطلاع از ذخیره بانکی و فعالیت‌های خارجی آنان.
۳- نظارت دقیق تر رفت و آمد این قبیل افراد.
۴- نظارت بر مرزها؛ از اینکه چه افرادی مظلوم بوده و چگونه پول و اسلحه از ایران خارج می‌سازند.
۵- کمک به اعراب مسلمان، از لحاظ کسب اطلاعات دقیق در مورد سازمان‌های یهودیان عرب و خارجی و سایر یهودیان غیر ایرانی...»



طریق ورود یهودیان غیر مجاز تسهیل می‌گردید. اگر خوانندگان به یاد داشته باشند که متعاقب تعویض آقای بهنام سر و صداهایی ایجاد شد، متوجه ارتباط امر خواهند شد. همچنین باید به یاد آورد که در روز حرکت آقای قوام، جمع زیادی یهودی عرب و آقای بهنام و آقای سفیر امریکا، در فرودگاه به بدرقه آقای قوام رفته بودند. از اینجاستی توان پی برد که چه مرجعی از یهودیان عرب حمایت کرده‌اند. به هر حال با شرحی که در بالا داده شد، این نکته مسلم است که یک سازمان وسیع و دقیق و مرتبی از تروریست‌های یهودی شعبه هاگانا در تهران و شهرستان‌های ایران، فعالیت به نفع یهودیان فلسطینی می‌نمایند و دقیقاً وظایف خود را انجام می‌دهند و برای وصول به هدف، به تمامی مقامات داخلی و خارجی دسترسی دارند و به قرار قرالتی که به دست آمده این سازمان کم‌کم به طوری در امور رخنه نموده است که حتی بیم وقایع ناگوار و احواننا ترور‌های مختلفی می‌رود...»

■ **حامیان خارجی شعبه ایرانی هاگانا**

سازمانی که نگارنده مقاله، آن هم به طول و عرض فوق آمده آن را توصیف می‌کند، نمی‌تواند از حمایت خارجی بی‌بهره باشد و به گونه مستقل و خود اتکا فعالیت نماید. هم از این روی مسعود در بخش دیگری از این گزارش، به حامیان خارجی فعالیت هاگانا در تهران نیز اشارت می‌برد:

«کنون محقق گردیده است که یهودیان عرب مقیم ایران، از طرف امریکایی‌ها مورد حمایت قرار گرفته‌اند. انتزاع اداره گذرنامه در زمان آقای قوام که به طرفداری از امریکایی‌ها مشهور بود، یکی از قبیل حمایت‌هاست. زیرا با آن وضع، دیگر ورود و خروج یهودیان از نظر شهربانی مجهول و مخفی می‌ماند. فعالیت‌های آقای بهنام رئیس سابق گذرنامه در این مورد، شایان توجه است. ضمناً باید متذکر شد همان گونه که تاکنون روس‌ها نشان دادند، نسبت به وضع پر آشوب فلسطین، بسیار ذی‌علاق‌اند. دولت شوروی، تقسیم فلسطین را رسماً تأیید کرد. این مسئله برای آن است، که پای نیروی شوروی به فلسطین باز شود. از طرف دیگر، قدرت یهودیان در حکومت فعلی شوروی فراوان است. همچنین دولت شوروی از نزاع بین عرب و یهود، نفع فراوانی از نظر دارد. به همین لحاظ است که خبر ارسال اسلحه و مهماتی از طریق مرزهای شمالی به این نسوی اکراد باغی به سرحد عراق، تأیید می‌شود. کشف مقادیر مختلفی اسلحه گوناگون در آن نقاط از سوی نظامیان، حاکی از فعالیت مخفی به نفع یهودیان است. بعضی صحبت‌های محرمانه، حاکی از ارتباط فعالیت‌های یهودیان با مقامات شوروی است؛ به‌ویژه آنکه خبر موثقی حاکی است شوروی‌ها دائماً با سازمان تروریستی ایران در تماس بوده و فعالیت آنها را نظارت می‌نمایند...»

■ **اعتراض عراق به حضور هاگانای ایران**

مقاله «هاگانا، هاگانا» در ادامه به واکنش‌های حضور سازمان تروریستی صهیونیست‌ها در ایران پرداخته و در این باره، از اعتراض دولت عراق به این رویداد سخن به میان می‌آورد. چه این کشور شاهد قاچاق انسان، اسلحه و سرمایه‌از خاک همسایه خویش به سوی فلسطین بوده است: «چندی پیش از کشور عراق اعتراضی به دولت ایران رسیده بود که یهودیان فلسطین در ایران فعالیت فراوانی نموده و پول‌های هنگفت حتی اسلحه و افراد داوطلب از اتریان اجیر و به فلسطین راههای در این باره، از اعتراض دولت عراق به این رویداد سخن به میان می‌آورد. چه این کشور شاهد قاچاق انسان، اسلحه و سرمایه‌از خاک همسایه خویش به سوی فلسطین بوده است: «چندی پیش از کشور عراق اعتراضی به دولت ایران رسیده بود که یهودیان فلسطین در ایران فعالیت فراوانی نموده و پول‌های هنگفت حتی اسلحه و افراد داوطلب از اتریان اجیر و به فلسطین راههای در این باره، از اعتراض دولت عراق به این رویداد سخن به میان می‌آورد. چه این کشور شاهد قاچاق قاچاق انسان، اسلحه و سرمایه‌از خاک همسایه خویش به سوی فلسطین بوده است: «چندی پیش از کشور عراق اعتراضی به دولت ایران رسیده بود که یهودیان فلسطین در ایران فعالیت فراوانی نموده و پول‌های هنگفت حتی اسلحه و افراد داوطلب از اتریان اجیر و به فلسطین راههای در این باره، از اعتراض دولت عراق به این رویداد سخن به میان می‌آورد. چه این کشور شاهد قاچاق قاچاق انسان، اسلحه و سرمایه‌از خاک همسایه خویش به سوی فلسطین کمک مالی می‌نمایند...»

■ **مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت در تقابل با هاگانا**

به رغم آنچه که در فصول پیشین بدان اشارت رفت، مردم مسلمان ایران به رهبری علما و روحانیون، به رصد فعالیت شعبه‌های هاگانا در کشور خویش پرداخته و در این طریق، دست به ایجاد تشکل‌هایی زدند. موضوعی که محمد مسعود نیز شرحی از آن ارائه کرده است:

«خبر موثقی حاکی است که برای مبارزه با فعالیت خلف قانون یهودیان در ایران، تشکیلات وسیعی از مسلمان به راهنمایی و ارشاد یکی از هادپایان دین که محبوبیت خاصی در تهران دارد، تشکیل شده است. این سازمان در تمام شهرستان‌هایی که بیم فعالیت‌های محرمانه و مخفیانه یهودیان غیرایرانی می‌رود، شعباتی دایر و به فعالیت پرداخته‌اند. مأموریت اعضای این سازمان تا آنجا که اطلاع به دست آمده، عبارت است از:

۱- شناسایی و نامبرداری تمامی یهودیان غیرایرانی در هر شهر، به ویژه یهودیانی که طی چند سال اخیر وارد هر شهری شده‌اند.
۲- کسب اطلاع از ممر در آمد و چگونگی صرف در آمد و اطلاع از ذخیره بانکی و فعالیت‌های خارجی آنان.
۳- نظارت دقیق تر رفت و آمد این قبیل افراد.
۴- نظارت بر مرزها؛ از اینکه چه افرادی مظلوم بوده و چگونه پول و اسلحه از ایران خارج می‌سازند.
۵- کمک به اعراب مسلمان، از لحاظ کسب اطلاعات دقیق در مورد سازمان‌های یهودیان عرب و خارجی و سایر یهودیان غیر ایرانی...»



محمد مسعود در ۲۱ دی ۱۳۴۶، درباره ایجاد شعبه سازمان تروریستی هاگانا در شهرهای ایران دست به افشاگری زد. او به صراحت اذعان داشت که برخی یهودیان با ایجاد نمایندگی‌هایی از این گروه در شهرهای مختلف، فعالیت‌هایی منظم و مرتبط با شاخه اصلی خود در فلسطین انجام می‌دهند. او همچنین وارد معرفی شبکه این تشکیلات در ایران شد و حتی از برخی از حامیان مالی آن در میان بازرگانان و سراسر مایه داران ایرانی نام برد

پیش شخصی به نام شلیمون که از میلیون‌های یهودی فلسطین است، به ایران آمده و در هتل فردوسی اقامت گزیده و شروع به خریدن اعتبارات دلاری تجار ایرانی که در امریکا داشتند، نمود. مقادیر هنگفتی که بین ۲-۴ میلیون دلار است، دلار خریداری نمود. یکی از تجار فروشنده مزبور، آقای وهاب‌زاده تاجر ایرانی است. دلارها را به ۶۵ ریال خریداری کرد و با ۱۰۰ ریال اضافه، همه را به امریکا حواله داده است و به فلسطین مراجعت کرده و همچنین باید دانست که تمامی میلیون‌های یهودی خارجی مقیم تهران از قبیل مایسر عبدالله، کنانه، جرج شعبیا، صافایی لاوی و مشمل صالح موشی و... هر ماهه مبلغ هنگفتی به سازمان مزبور کمک مالی می‌نمایند. از جمله مایسر عبدالله مطاطه کار و شهرداری، ماهانه در حدود ۲۰ هزار لیره کمک مالی می‌نمایند. سازمان تروریستی هاگانا در ایران، مجراتلا وظایف زیر را عهده‌دار است:

۱- فعالیت مسلمانان را در ایران که برعلیه یهودیان به کار می‌رود، خنثی سازد.

۲- برای اعضای سازمان مقیم فلسطین، هر ماهه وجوه کافی تهیه و ارسال دارد.

۳- ضمن تماس با مقامات خارجی شمالی ایران، وسایل خرید اسلحه و ارسال آن را از مرز ایران به

فعالیت‌هایی با ایجاد شعباتی از این گروه در برخی شهرها،

فعالیت‌های منظم و مرتبط با شعبه اصلی خود در فلسطین انجام می‌دهند: «طبق اطلاعات موثقی که به دست آمده است، چندی است یهودیان مقیم ایران به ویژه آنهایی که اخیراً به ایران آمده‌اند، شعبه سازمان تروریستی هاگانا را در ایران و مرکز آن را در تهران دایر نموده‌اند. این سازمان فعلاً در شهرهای تهران، همدان، کرمانشاه و اهواز شعباتی داشته و فعالیت‌های شدیدی ابراز می‌دارند. اعضای سازمان تروریستی هاگانا در این هر هفته جلساتی تشکیل داده و طبق برنامه معینی مسائل مهم را مورد رسیدگی قرار داده و مطالب لازم را به مرکز اصلی گزارش می‌دهند. خبر موثقی حاکی است که شعبه (هاگانا) در ایران، دارای دستگاه‌های فرستنده و گیرنده بوده و برخی از موارد با مرکز سازمان خود که در فلسطین است، ارتباط داشته و با رمزهای مخصوصی پیام ارسال و مطالب و دستورات می‌نمایند...»

■ **یهودیان ایران، ۶۰ درصد از هزینه هاگانا را تأمین می‌کنند!**
نویسنده در بخش دیگری از نوشتار خویش، از گستره فعالیت یهودیان ایرانی برای تثبیت سلطه اسرائیل بر فلسطین، گزارشی اعجاب‌انگیز بیان می‌کند. این بخش «یهودیان متخسب به این دست‌دراز می‌گردند، زیرا در نیمرودی در دهه‌ها بعد می‌اندازد که گفت: «اگر یک روز به روزنامه‌نگاران اجازه دهند تا از کارهایی که ما در تهران کرده‌ایم مطلع شوند، آن آنچه می‌شوند وحشت‌ناک خواهد کرد حتی نمی‌توانند آن را تصور کنند!»

■ **شوروی پس از یأس از حزب توده در ایران از هاگانا حمایت می‌کند!**
پیامدهای حضور عوامل هاگانا در ایران، از جمله ناکامی است که صاحب امتیاز مرد امروز در مقاله خویش، از آن چشم‌نمی‌پوشد. وی به لایب‌گسترده این سازمان تروریستی در کشور اشاره کرده و به مدد اخبار دریافتی خویش، آنها را اینگونه تحلیل می‌کند: «یهودیان متخسب به این دست‌دراز می‌گردند، زیرا در دهه‌های اخیر، متد و روزنامه‌هنگی مخصوصی دارند. می‌گویند اخیراً حکومت نظامی ناچار شد برای پیش‌بینی حدوث وقایع ناگوار از قبیل تخریب، ترور، مرجعه کرده‌است که تقاضا کرده‌اند که هزینه برگشت آنها داده شود تا به وطن خود برگردند. اینها افرادی بودند که فریب افراد سازمان (هاگانا) و دستجات مختلف یهودی را در ایران خورده بودند، به طوری که حدس زده می‌شود، سازمان بزرگ یهودیان فعلاً در امریکا و ایران بیش از سایر نقاط دنیا فعالیت کرده و به فلسطین کمک مالی می‌نمایند...»

■ **مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت در تقابل با هاگانا**
به رغم آنچه که در فصول پیشین بدان اشارت رفت، مردم مسلمان ایران به رهبری علما و روحانیون، به رصد فعالیت شعبه‌های هاگانا در کشور خویش پرداخته و در این طریق، دست به ایجاد تشکل‌هایی زدند. موضوعی که محمد مسعود نیز شرحی از آن ارائه کرده است:

«خبر موثقی حاکی است که برای مبارزه با فعالیت خلف قانون یهودیان در ایران، تشکیلات وسیعی از مسلمان به راهنمایی و ارشاد یکی از هادپایان دین که محبوبیت خاصی در تهران دارد، تشکیل شده است. این سازمان در تمام شهرستان‌هایی که بیم فعالیت‌های محرمانه و مخفیانه یهودیان غیرایرانی می‌رود، شعباتی دایر و به فعالیت پرداخته‌اند. مأموریت اعضای این سازمان تا آنجا که اطلاع به دست آمده، عبارت است از:
۱- شناسایی و نامبرداری تمامی یهودیان غیرایرانی در هر شهر، به ویژه یهودیانی که طی چند سال اخیر وارد هر شهری شده‌اند.
۲- کسب اطلاع از ممر در آمد و چگونگی صرف در آمد و اطلاع از ذخیره بانکی و فعالیت‌های خارجی آنان.
۳- نظارت دقیق تر رفت و آمد این قبیل افراد.
۴- نظارت بر مرزها؛ از اینکه چه افرادی مظلوم بوده و چگونه پول و اسلحه از ایران خارج می‌سازند.
۵- کمک به اعراب مسلمان، از لحاظ کسب اطلاعات دقیق در مورد سازمان‌های یهودیان عرب و خارجی و سایر یهودیان غیر ایرانی...»

■ **نمایندگان هاگانا به بهانه بیماری و با گواهی پزشکی به ایران می‌آیند!**

انامه این افشاگری، به شیوه‌های فریب اعضای هاگانا برای حضور انبوه در ایران و انجام وظایف محوله می‌رسد؛ به خصوص اینکه برخی از آنان برای ورود به کشورمان، از بهانه بیماری و گواهی‌سازی پزشکی استفاده می‌کنند:

«یهودیان خارجی مقیم ایران، به مناسبت تحت نفوذ قرار دادن آقای بهنام، ورود و خروج خود را به ایران تسهیل کرده‌اند. از جمله پزشکی‌بیماری آنان و اقامت موقت‌شان را در تهران تصدیق می‌کرد، بدین